

در ادامه به تحلیل ادعای اجماع می‌پردازیم.

گفتار سوم: اسناد اثبات قاعده و نقد آنها

بیان ادله

قاعده «الجمع» (با ابهام و عدم قرار در گستره آن)¹ به وجوهی استناد داده شده است؛ از قبیل:

دلیل اول

ان الاصل فی الدلیلین الإعمال فیجب الجمع بینهما بما امکن؛ لاستحالة الترجیح من غیر مرجح. این بیان از شهید ثانی و غیر ایشان در جمع بین دو دلیل در اجرای شریعت است² که شیخ انصاری از آن در جمع دلالتی بین دو دلیل معارض در بیان حکم شرعی بهره می‌برد.³

بررسی دلیل اول

صدر این دلیل شامل تعارض دو دلیل حتی در وقت عدم مرجح هم می‌شود؛ لکن ذیل آن اختصاص به متعارضینی دارد که هیچ یک بر دیگری مزیت ندارد بلکه «متعادلین» هستند. فتامل. ضمناً این دلیل جریان قاعده را حتی در موردی که برای جمع، هیچ شاهدی وجود ندارد گسترش می‌دهد و اختصاص آن را به موارد جمع عرفی می‌زند.

دلیل دوم

ان دلالة اللفظ علی تمام معناه اصلية و علی جزئه تبعية و علی تقدیر الجمع ما یلزم اهمال دلالة تبعية و هو اولی مما یلزم علی تقدیر عدمه و هو اهمال دلالة اصلية.⁴

بررسی دلیل دوم

این دلیل در واقع مبنای دلیل اول است نه وجهی مستقل در مقابل آن؛ زیرا اولویت یا اصل اعمال در دو دلیل بدون مبنا که نیست! مبنای آن می‌تواند وجهی باشد که به عنوان دلیل دوم در برخی از کلمات مطرح شده است. فتامل. ضمناً این دلیل بر فرض اثبات، مثبت قاعده علی الاطلاق است. عرفی و غیر آن با مرجح و غیر آن.

دلیل سوم

دلیل سوم در کلام شیخ به قرار ذیل بیان شده است:

1. بررسی و تحلیل ادله ای که در ذیل می‌آید، این ادعا را مشخص می‌کند.
2. تمهید القواعد، قاعده 97، موسوعة الشهید الثانی، ج 5، ص 221 و 222.
3. فرائد الاصول، ج 4، ص 20.
4. همان، قوانین الاصول، ج 2، ص 279 و...

« اذا عملنا بدلیل حجیة الامارة فیهما و قلنا بأن الخبرین معتبران سندا، فیصیران کمقطوعی الصدور و لا اشکال و لا خلاف فی أنه إذا وقع التعارض بین ظاهری مقطوعی الصدور - کایتین أو متواترین - وجب تأویلها و العمل بخلاف ظاهرها، فیکون القطع بصدورهما عن المعصوم علیه السلام قرینةً صارفةً لتأویل کلّ من الظاهرین»⁵.

تحلیل این دلیل

دلیل سوم - که در واقع بیان نقض است بر نظر مخالف قاعده و قیاسی است برای اثبات قاعده به مواردی که روح این قاعده در آن موارد وجود دارد - به صرف بیان فوق، تمام نشده است، بلکه موارد دیگری نیز ذکر شده است مثل:

«قیاس ذلک بالنص الظنی السند مع الظاهر؛ حیث یجمع الجمع بینهما بطرح ظهور الظاهر لا سند النص». یا «قیاس ذلک بما اذا کان خبر بلا معارض لکن ظاهره مخالف للاجماع؛ فانه یحکم بمقتضی اعتبار سنده بارادة خلاف الظاهر من مدلوله»⁶. استدلال فوق نیز قاعده را در محدوده ای فراتر از موارد امکان جمع عرفی و فراتر از موردی که تعادل بین دلیل ها برقرار است، ثابت می کند.

دلیل چهارم

تمسک به اجماع، دلیل دیگری است که در برخی کلمات ذکر شده است. تعبیری که به ابن ابی جمهور احسایی نسبت داده شده، این است:

«...ان العمل بالدلیلین مهما امکن خیر من ترک احدهما و تعطیله باجماع العلماء و ان لم تتمکن من ذلک و لم یظهر لک جهة فارجع الی العمل بهذا الحدیث (مقبولة عمر بن حنظلة)»⁷.

تحلیل این دلیل

این دلیل هر چند ظاهراً جمع را فراتر از جمع عرفی می بیند لکن فرض مواردی که جمع نامیسر باشد را نیز منتفی نمی بیند؛ از این رو به «مهما امکن» باید قیدی محدود کننده اضافه شود. محدوده ای که در این دلیل هیچ بیانی برای آن نیامده است!

نقد و تضییق بر ادله قاعده

ادله مزبور در حد گسترده مورد نقد واقع شده است؛ چنان که برخی نقدها نیز، مورد اشکال قرار گرفته است.⁸ در مجال حاضر با رعایت اختصار غیر محل به نقد این اسناد می پردازیم، سپس نظریه تحقیق را بیان خواهیم کرد.

5 . فرائد الاصول، ج4، ص22.

6 . همان، ص23.

7 . کتاب التعارض، ص113.

8 . ر.ک: همان، صص160 . 170؛ فرائد الاصول، ج4، صص20 . 24.